

بررسی میزان شیوع انواع زورگویی در مدارس راهنمایی شهرستان یزد از دیدگاه دبیران

دکتر کاظم برزگر بفرویی / استادیار گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه یزد
حسن خضری / عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان شیوع انواع زورگویی در مدارس راهنمایی از دیدگاه دبیران بود. تعداد ۴۱۶ نفر از دبیران شاغل در این بخش (۲۰۰ نفر دبیر مرد و ۲۱۶ نفر دبیر زن) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و در نظر سنجی شرکت کردند. برای سنجش میزان انواع زورگویی از پرسشنامه ۱۵ گویه‌ای محقق ساخته استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون مجذور کا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بالاترین میزان وقوع زورگویی در پسران، به ترتیب برای لقب دادن (۴۳ درصد)، مسخره کردن (۴۲ درصد)، فحش دادن (۳۶ درصد) و لگد زدن (۳۴ درصد) می‌باشد. در دختران نیز بالاترین میزان زورگویی متعلق به مسخره کردن دیگران بود (۲۶/۹ درصد). در مقایسه‌ی بین پسران و دختران، مشخص شد که پسران در اکثریت انواع زورگویی، به جز شایعه پراکنی، محروم کردن دیگران از حضور در گروه و به هم زدن دوستی‌ها، تفاوت معناداری با دختران دارند. بر این اساس، پسران بیش از دختران انواع زورگویی‌های مربوط به طبقه‌بندی‌های سه‌گانه را مرتکب می‌شوند. از آنجایی که این پژوهش نشان می‌دهد که انواع زورگویی به ویژه زورگویی‌های کلامی در مدارس راهنمایی شایع است. مدارس باید از طریق اجرای برنامه‌های ضد زورگویی، میزان آن را کاهش دهند.

واژه‌های کلیدی: زورگویی، دانش آموزان

مقدمه

خود دفاع کنند، انجام می‌گیرد (آلویوس^۵، ۱۹۹۳؛ نقل از جینی^۶، ۲۰۰۶). بر اساس آنچه در ادبیات پژوهشی آمده است، چندین نوع زورگویی عمده، شناخته شده است که در این میان می‌توان به دسته‌های زیر اشاره کرد: الف) زورگویی کلامی (غیرفیزیکی)^۷: طعنه زدن، مسخره کردن، لقب دادن^۸، شایعه پراکنی^۹. ژست‌های تهدیدآمیز یا غیر اخلاقی، محروم کردن دیگران از حضور در گروه، فرستادن پیام‌های الکترونیکی تهدیدآمیز، به هم زدن دوستی‌ها؛

ب) زورگویی فیزیکی^{۱۰}: کتک زدن، لگد زدن^{۱۱}، از بین بردن وسایل، کمک گرفتن از یک دوست برای ضرب و شتم فردی دیگر؛

زورگویی^۱ نوعی پرخاشگری همسالان^۲ است که معمولاً در مدارس رخ می‌دهد و به نظر می‌رسد که پدیده‌ای جهانی است و تقریباً می‌توان در همه کلاس‌های درس مدارس آن را مشاهده کرد (اسمیت و براین^۳، ۲۰۰۰). عمل زورگویی هنگامی رخ می‌دهد که فرد برخوردار از یک امتیاز جسمی، ذهنی، یا روان‌شناختی، یا برخوردار از امتیازی دیگر (مثلاً تعلق به یک گروه) بدون هیچ دلیل منطقی، به شخص ضعیف‌تری آسیب بزند (پونترز^۴، ۲۰۱۰). همچنین، زورگویی را می‌توان به عنوان عمل منفی تعمدی تعریف کرد که با هدف وارد آوردن صدمات فیزیکی و یا روان‌شناختی به دانش‌آموزان دیگری که ضعیف‌تر [از زورگو] هستند و نمی‌توانند از

5. Olweus

6. Gini

7. verbal(non-physical) bullying

8. name calling

9. spreading rumors

10. physical bullying

11. kicking

1. bullying

2. peer aggression

3. Smith & Brain

4. Pontzer

زورگویی فیزیکی (کتک خوردن، هل داده شدن و لگد خوردن) قرار گرفته‌اند و در این مورد نیز تفاوت‌ها معنادار بودند.

در پژوهشی دیگر، کینکچی و چینکر^۶ (۲۰۰۶) نشان داده‌اند که ۳۵/۵ درصد از گروه نمونه‌ی آنها گزارش کرده‌اند که مورد زورگویی فیزیکی قرار گرفته‌اند. پس از آن، بیشترین میزان زورگویی، متعلق به زورگویی کلامی (۳۳/۵ درصد)، زورگویی عاطفی: مثلاً راه ندادن به گروه (۲۸/۳ درصد)، و زورگویی جنسی (۱۵/۶) بود. هر دو جنس (پسر و دختر) بیشتر از همه مورد زورگویی فیزیکی از نوع هل داده شدن قرار گرفته بودند (۵۸/۱ درصد از دختران و ۶۳/۵ درصد از پسران)؛ و پس از آن بیشترین فراوانی برای لقب دادن بود (۴۴/۱ درصد از دختران و ۶۱/۸ درصد از پسران). تنها داده‌هایی که درباره‌ی زورگویی در نمونه‌ی ایرانی یافت شد، پژوهش چراغی و پیشکین (۲۰۱۱) است. آنها که داده‌های مربوط به دو جامعه ایرانی و ترکیه‌ای را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند، اظهار داشته‌اند که دانش‌آموزان ایرانی بیش از هم‌تایان ترکی خود مورد زورگویی فیزیکی قرار گرفته‌اند، ولی دانش‌آموزان ترکی بیشتر تحت زورگویی غیرفیزیکی (منزوی ساختن) قرار داشته‌اند. همچنین، یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در زورگویی فیزیکی و کلامی، در هر دو نمونه، پسران، تفاوت معناداری با دختران داشته‌اند و بیش از دختران به این نوع زورگویی‌ها مبادرت کرده‌اند. علاوه بر این نشان داده شده است که هم پسران و هم دختران ایرانی بیش از پسران و دختران ترکی مورد زورگویی (فیزیکی و کلامی) قرار می‌گیرند. به طور کلی پسران در مقایسه با دختران، در زورگویی کردن خشن‌تر و ویرانگرترند و از ابزارهای فیزیکی زورگویی، بیشتر استفاده می‌کنند. دختران معمولاً بیشتر شکل‌های پنهان‌تر

(ج) آزار (مزاحمت) جنسی^۱: شکلی از زورگویی است که در آن قصد و نیت، تحقیر و شرم‌نده کردن، سرافکنده کردن یا به دست گرفتن کنترل شخص دیگری بر اساس گرایش جنسیتی یا جنسی است (بیتی و الکسی یف^۲، ۲۰۰۸).

بیشترین نوع زورگویی گزارش شده، مسخره کردن و لقب دادن است و پس از آن، کتک زدن و لگد زدن و تهدید کردن قرار دارند (استفنسون^۳ و اسمیت، ۱۹۸۹؛ شارپ و اسمیت، ۱۹۹۴؛ هوور، الیور و هزیر^۴، ۱۹۹۲، نقل از بیتی و الکسی یف، ۲۰۰۸). آتیک (۲۰۰۶) نیز گزارش کرده است که بیشترین نوع زورگویی در نمونه‌ی پژوهشی او، زورگویی کلامی بوده است. در پژوهشی دیگر، سیلز و یانگ (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که معمول‌ترین نوع زورگویی در میان هر دو جنس پسر و دختر، زورگویی کلامی (طعن زدن، مسخره کردن و لقب دادن) است. در مراتب بعدی، زورگویی فیزیکی نظیر کتک زدن و لگد زدن و تهدید کردن دیگران قرار دارد.

کارتال^۵ (۲۰۰۹) نیز نشان داده است که معمول‌ترین شیوه‌ی زورگویی لقب دادن، مسخره کردن، فحش دادن (۲۰/۹ درصد) بوده است. پس از آن، کتک زدن، هل دادن و لگد زدن (۱۹/۱ درصد) قرار داشتند. به طور کلی، ۶۷ درصد از پسران و ۴۸/۳ درصد از دختران گزارش کردند که مورد زورگویی کلامی قرار گرفته‌اند که این میزان از نظر آماری تفاوت معناداری را میان دختران و پسران نشان داد این بدان معناست که پسران دانش‌آموز میزان زورگویی بیشتری را نسبت به دختران تجربه می‌کنند. از نظر زورگویی فیزیکی نیز ۵۷ درصد از پسران و ۴۰/۴ درصد از دختران گزارش کرده‌اند که مورد

1. sexual harassment
2. Beaty & Alexeyev
3. Stephenson
4. Hoover, Oliver, & Hazier
5. Kartal

6. Kepenekci & Cinkir

ساله‌ی آلمانی انجام گرفت مشخص شد که بیش از ۱۶ درصد از کودکان به طور منظم مورد زورگویی قرار گرفته‌اند و ۵/۵ درصد نیز زورگویان فعال هستند. پژوهش‌نیشن، وینو، پرکینز و سانتینلو^۶ (۲۰۰۸) که بر روی دانش‌آموزان پایه‌های ششم، هشتم و دهم در مدارس ایتالیا انجام گرفته نیز نشان داده است که بیش از ۹ درصد از دانش‌آموزان، زورگو؛ ۶/۷ درصد، قربانی؛ و بین ۳ و ۴ درصد نیز زورگو/قربانی بودند. نتایج پژوهش هیلوگلو و اوندر (۲۰۱۰) در ترکیه نشان داد که از ۹۳۵ دانش‌آموز مورد بررسی، ۸/۳ درصد زورگو، ۹/۸ درصد قربانی، ۴/۸ درصد زورگو/قربانی، بودند و ۷۶/۸ نیز در این فرایند درگیر نبودند. نتایج پژوهش خوفه-ولازکوئز، گارسیا-مالدونادو، سالدیوار-گونزالز، مارتینز-پرالس، لین-اوجوا، کوئینتانار-مارتینز و ویلاسانا-گوئرا^۷ (۲۰۱۱) نشان داد که در کشور مکزیک، ۲۰/۵ درصد از دانش‌آموزان (با میانگین سنی ۱۳/۶ سال) قربانی، ۱۳/۱ درصد از آنها زورگو و ۲۷/۴ درصد نیز زورگو/قربانی تشخیص داده شدند. در پژوهش وینکه-توتورا، مک کینون-لوئیس، گستن، گد، دایوین، دانهام و کامبوکوس^۸ (۲۰۰۹) هم مشخص شد که ۳/۵ درصد از پسران و ۲/۶ درصد از دختران زورگو، ۶/۷ درصد از پسران و ۴/۲ درصد از دختران قربانی و ۰/۸ درصد از پسران و ۰/۹ درصد از دختران زورگو/قربانی بودند. پونتزر^۹ (۲۰۱۰) نیز نشان داده است که ۲۳/۷ درصد از نمونه‌ی او زورگو، ۱۹/۹ درصد قربانی و ۹/۶ درصد نیز زورگو/قربانی بوده‌اند. اوندهایم و سوند^{۱۰} (۲۰۱۰) در نمونه‌ای از دانش‌آموزان

و زیرکانه‌تر ادیت و آزار، مثل شایعه پراکنی، غیبت کردن‌های مغرضانه و دو به هم‌زنی در روابط دوستانه را مورد استفاده قرار می‌دهند. پژوهش‌های دیگر نیز این یافته‌ها را تأیید کرده‌اند (بورگ، ۱۹۹۸).

میزان شیوع زورگویی:

هرچند یافته‌ها درباره‌ی شیوع زورگویی یک دست نیستند ولی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ۲۰ تا ۵۴ درصد از دانش‌آموزان به طور مکرر به صورت زورگو یا قربانی در زورگویی درگیرند (ولکه و وودز، ۲۰۰۱). به‌طور ویژه نیز پژوهش‌های انجام شده در کشورهای مختلف، مقادیر متفاوتی را گزارش کرده‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود. مثلاً داده‌های خودگزارشی در کانادا نشان داده است که ۸ تا ۹ درصد از کودکان مدارس ابتدایی به طور منظم (هفته‌ای یک بار یا بیشتر) مورد زورگویی قرار گرفته‌اند (بتلی و لی^۱، ۱۹۹۵). سولبرگ و اولویوس^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی بر روی ۵۱۷۱ دانش‌آموز پایه‌ی ۵ تا ۹ در نوژ نشان دادند که ۱۶/۲ درصد از دانش‌آموزان، قربانی زورگویی (۲۱/۷ از پسران و ۱۰/۱ از دختران)، ۳۱ درصد زورگو (۲۹/۸ پسر و ۳۰/۱ دختر) هستند. در انگلستان، استفنسون و اسمیت^۳ (۱۹۸۷)، نقل از بیتلی و الکسی‌یف، (۲۰۰۸) دریافتند که ۷ درصد از افراد نمونه آنها، قربانیان زورگویی، ۱۰ درصد زورگو و ۶ درصد نیز، هم زورگو و هم قربانی بودند. اسپلیج و هولت^۴ (۲۰۰۱) میزان افراد زورگو در نمونه‌ی پژوهشی خود را ۱۴/۵ درصد (۲۰ درصد پسران و ۷ درصد دختران) اعلام کرده‌اند. در پژوهشی دیگر که توسط فیکس، پیپرز، و فرلوف-فان هوریک^۵ (۲۰۰۵) و بر روی کودکان ۹-۱۱

6. Nation, V. Perkins, & Santinello

7. Joffre-Velazquez, Garcia-Maldonado, Saldivar-Gonzalez, Martinez-Perales, Lin-Ochoa, Quintanar-Martinez, S., & Villasana-Guerra

8. Wienke-Totura, McKinnon-Lewis, Gesten, Gadd, Divine, Dunham, & Kamboukos

9. Pontzer

10. Undheim & Sund

1. Bently & Li

2. Solberg & Olweus

3. Stephenson & Smith

4. Espelage & Holt

5. Fekkes, Pijpers, & Verloove-Vanhorick

به میزان بسیار بالاتری درگیر رفتارهای زورگویانه بوده‌اند. همچنین، نیشن، وینو، پرکینز و سانتیلو (۲۰۰۸) در بررسی ۴۳۸۶ دانش‌آموز راهنمایی در ایتالیا دریافتند که بیشتر زورگویان و زورگو/قربانیان، پسر هستند. همچنین چراغی و پیشکین (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای مقایسه‌ای که به بررسی زورگویی در ایران و ترکیه پرداخته‌اند گزارش کرده‌اند که در نمونه‌ی آنها در هر دو کشور، پسران، به طور معنادارتری هم در زورگویی کردن و هم در قربانی بودن تفاوت معناداری با دختران داشتند. وینکه توتورا، مک کینون - لوئیز، گستن، گد، دیواین، دانهام و کامبوکوس (۲۰۰۹) نیز دریافت‌اند که در نمونه‌ی پژوهشی شان ۳/۵ درصد از پسران و ۲/۶ از دختران زورگو، ۶/۷ از پسران و ۴/۲ از دختران قربانی، و ۰/۸ درصد از پسران و ۰/۹ درصد از دختران زورگو/قربانی بودند که نشان دهنده‌ی شیوع بیشتر این پدیده در پسران در همه‌ی نقش‌هاست. البته پژوهش‌هایی نیز هستند که چنین تفاوتی را در میان پسران و دختران نیافته‌اند (مثلاً وودز و وایت، ۲۰۰۵). بنابراین، پژوهش‌های مختلف از این نظر جانبداری کرده‌اند که پسران به شکل معنادارتری، بیش از دختران، مورد زورگویی قرار می‌گیرند.

اثرات زورگویی کردن و قربانی زورگویی بودن:

زورگویی می‌تواند هم برای قربانیان و هم برای آنهايي که زورگویی می‌کنند، آسیب‌های طولانی مدت ایجاد کند. مثلاً مشخص شده است که تمایل به آزار دیدن توسط زورگویان معمولاً با عزت نفس پایین، کمرویی و احساس‌های مربوط به انزوا، وابسته است (ریگی و اسلی، ۱۹۹۳). ترس و اضطراب بیش از اندازه می‌تواند به جزئی جداناپذیر از زندگی هر روزه دانش‌آموزانی تبدیل شود که مورد زورگویی قرار گرفته‌اند، چرا که آنان همیشه به هر کاری دست می‌زنند تا از زورگوها و مکان‌هایی که در آنها اغلب مورد زورگویی قرار می‌گیرند، اجتناب

نروژی دریافتند که ۱۰ درصد از افراد شرکت کننده در پژوهش، قربانی زورگویی و ۵ درصد نیز زورگو هستند. کارلایل و استاینمن^۱ (۲۰۰۷) نیز دریافتند که ۲۰/۱ درصد از افراد نمونه‌ی آنها قربانی زورگویی و ۱۸ درصد نیز زورگو بودند. در پژوهشی در آلمان، یانسن، وینسترا، اورمل، فرهولشت و راینولد^۲ (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که ۳۵/۵ درصد از دانش‌آموزان ۱۱ ساله، درگیر زورگویی بوده‌اند که از این میان ۱۱/۹ تحت عنوان زورگو، ۱۵/۱ درصد به عنوان قربانی و ۸/۴ درصد به عنوان زورگو/قربانی دسته‌بندی شدند. پژوهشگران فوق، میزان زورگویی در کودکان ۱۳ ساله را ۱۳/۳ درصد (۵/۴ زورگو، ۵/۸ قربانی، ۲/۱ زورگو/قربانی) گزارش کرده‌اند. جیووازیاس، کورکوتاس، میتسوپولو و گئورگیادی (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که ۲۲/۸ درصد از نمونه پژوهشی آنها قربانیان زورگویی و ۱/۴ درصد نیز زورگو هستند. کریستی (۲۰۰۵) در مقاله‌ای گزارش کرده که زورگویی در میان دانش‌آموزان آمریکایی ۱۲ تا ۱۸ ساله از ۵ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۷ درصد در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است. کریستی همچنین خاطر نشان ساخته است که گزارش سال ۲۰۰۰ مرکز ملی آمار آموزش و پرورش، نشان داده است که ۲۹ درصد از مدارس، زورگویی را تنها مسئله انضباطی فوق العاده دشوار خود می‌دانند.

زورگویی و جنسیت:

پژوهش نشان داده است که زورگویی در پسران، معمول‌تر از دختران است (بالدري و فرینگتون، ۲۰۰۰؛ لوفر و هارل^۳، ۲۰۰۳). مثلاً یافته‌های هیلوخلو و اوندر (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که تفاوت‌های معناداری میان پسران و دختران در این زمینه وجود دارد و بر این اساس، پسران

1. Carlyle & Steinman
2. Jansen, Veenstra, Ormel, Verhulst, & Reijneveld
3. Laufer & Harrel

همین خاطر، همه مدارس موظفند که میزان وقوع زورگویی و انواع آن را مشخص کرده و برای متوقف ساختن آن، گام‌هایی بردارند. هنگامی که زورگویی نادیده گرفته شود یا کم‌اهمیت جلوه داده شود، دانش‌آموزان، پیوسته از آزار و مزاحمت در رنج خواهند بود و این چیزی است که روند آموزش را با اختلال روبرو می‌سازد.

شکست مدرسه در برخورد با زورگویی، امنیت همه دانش‌آموزان را از طریق در اختیار گذاشتن یک محیط خصمانه که با یادگیری تداخل دارد، به مخاطره می‌افکند. شواهدی در دست است مبنی بر اینکه مداخله‌های مدرسه می‌تواند تا حد بسیار زیادی، زورگویی در مدرسه را کاهش دهد. باید بدانیم که مداخله‌ها حقیقتاً کارسازند؛ با داشتن چنین اطلاعاتی، مسئولان مدرسه می‌توانند در خصوص طرح‌ریزی برنامه‌های مناسب برای کاهش یا از میان بردن این مشکل حاد، تدابیری اتخاذ کنند. برخورد مؤثر با زورگویی، ابزاری است در جهت بهبود فضای مدرسه، افزایش دادن پیشرفت تحصیلی و کشیدن عنان رفتارهای خشونت بار در مدرسه (بیتی و الکسی یف، ۲۰۰۸). زورگویی رفتاری است که اگر نادیده گرفته شود می‌تواند مشکلات جدی به بار آورد. بنابراین، راه حل حقیقی زورگویی در مدرسه، به تلاش همگانی مسئولان مدرسه، والدین، دانش‌آموزان و جامعه بستگی دارد. چنین تلاش‌هایی شاید تنها راه مؤثر در پایان دادن به این چرخه آزار و خشونت در مدارس باشد.

شاید بزرگترین امکان برای متوقف ساختن این موج آفت جهانی - زورگویی - در کارها و اعمالی نهفته است که توسط معلمان انجام می‌گیرد. اما برای واکنش نشان دادن به این پدیده، معلمان، به کمک‌های فوری برای تشخیص رفتارهای زورگویانه، فهم دلایل وقوع آنها و انجام اقدامات سنجیده برای مقابله با زورگویی و خشونت

کنند (سیلز، ۲۰۰۳). نویسندگان دیگر، اظهار داشته‌اند که قربانیان زورگویی در پذیرش اجتماعی، شایستگی تحصیلی و احساس کلی ارزشمندی شخصی، در مقایسه با دانش‌آموزان زورگو، نمرات پایین‌تری به دست می‌آورند (موتاپا^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). از نظر بیماری‌های بدنی، دانش‌آموزانی که مورد زورگویی قرار می‌گیرند ۳ تا ۴ برابر بیشتر احتمال دارد که مشکلات مربوط به سلامتی، نظیر سردرد، التهاب معده^۲ و بی‌خوابی^۳ را تجربه کنند (کامپولاینن، رازانن و هنتونن^۴، ۱۹۹۸).

علاوه بر این نشان داده شده است که زورگویی کردن در ۱۴ سالگی پیش‌بینی‌کننده قوی برای محکومیت ناشی از اعمال خشونت بار در ۱۵ تا ۲۰ سالگی، جایگاه شغلی پایین در ۱۸ سالگی، مصرف مواد در ۲۷-۳۲ سالگی و زندگی ناموفق در سن ۴۸ سالگی بود (فرینگتون و تافی، ۲۰۱۱). علاوه بر این، هم زورگویان و هم قربانیان، سطوح بالایی از رفتارهای درونی شده (کناره‌گیری، شکایت‌های جسمانی و اضطراب/افسردگی)، رفتارهای برونی شده (پرخاشگری و بزهکاری)، ناشادمانی در مدرسه، مشکلات تحصیلی، و رفتارهای اجتماع‌پسندانه‌ی کمتری از خود نشان دادند؛ و نیز مشخص شده است که قربانیان و زورگو/قربانیان، در زمینه‌های متعددی نظیر سازگاری عاطفی پایین، روابط ضعیف با همکلاسی‌هایشان و مشکلات مربوط به سلامتی، تفاوت معناداری با دانش‌آموز دیگر دارند (جینی و پوزولی^۵، ۲۰۰۹). همه این پژوهش‌ها از این نظر حمایت کرده‌اند که هم زورگویان و هم قربانیان زورگویی، در معرض مشکلات روان‌شناختی و جسمانی قرار دارند و این مشکلات می‌تواند پیامدهای درازمدتی داشته باشد. به

- 1 Mouttapa
2. gastric distress
3. insomnia
4. Kumpulainen, Rasanen & Henttonen
5. Gini & Pozzoli

طرف آنها آموزش اصلاحی (درمانی) دریافت کرده‌اند (سیان و همکاران، ۱۹۹۳).

مسئله زورگویی در مدارس و قربانیان آن، موضوع پژوهش‌های بسیاری در طی سال‌های اخیر بوده است؛ با این حال، این معضل پر مخاطره که می‌تواند روند یادگیری را مختل سازد و پیامدهای شخصیتی و اجتماعی نامطلوبی به بار آورد همچنان در ادبیات پژوهشی و تربیتی جامعه‌ی ما مجهول و مغفول مانده است. مقاله‌ی حاضر به دنبال آن است که بتواند زمینه و اهمیت پرداختن به این مسئله‌ی مهم آموزشی را ایجاد و گوشزد کند. کاملاً روشن است که اگر خواهان جامعه‌ای عاری از خشونت هستیم، باید به زورگویی به عنوان پیش درآمدی بر خشونت‌های بیشتر، به شکلی کاملاً علمی پرداخته شود و در این میان گام نخست، شناخت و بررسی میزان وقوع آن از دید بزرگسالانی است که وظیفه‌ی پرورش کودکان را بر عهده دارند؛ در واقع شاید نخستین گام این است که بدانیم معلمان در باره‌ی زورگویی چه فکر می‌کنند و آیا آنچه با عنوان زورگویی رخ می‌دهد را رفتار زورگویانه می‌دانند؟ و این هدفی است که این مقاله آن را پیگیری می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش به دنبال آن بوده است تا میزان شیوع زورگویی و فراوانی انواع آن را در جمعیت دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر یزد از نظر دبیران، مطالعه کند.

روش:

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش به صورت زمینه‌یابی انجام شده، و در آن میزان شیوع انواع زورگویی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرستان یزد مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دبیران مقطع راهنمایی شهرستان یزد می‌باشند که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در ۶۳ مدرسه پسرانه و ۶۵ مدرسه دخترانه

در مدارس، نیازمندند (پیوترووسکی و هوت، ۲۰۰۸). در این میان، برداشت معلمان از رفتارهایی که تحت عنوان زورگویی دسته‌بندی می‌شوند بسیار مهم است چرا که هر ابتکار عملی برای کاستن از زورگویی، دانش‌آموزان را هدف قرار می‌دهد و به وسیله‌ی معلمان اجرا می‌گردد (جیمز، لالور، کورتنی، فلاین، هنری و مورفی، ۲۰۰۸). بر این اساس برخی پژوهشگران کوشیده‌اند تا دیدگاه معلمان در این باره را بررسی کنند. زیگلر و رزنشتاین - مانر (۱۹۹۱، نقل از بیتی و الکسی یف، ۲۰۰۸) اظهار داشته‌اند که معلمان، کمتر از دانش‌آموزان از میزان شیوع زورگویی آگاهند و بر این باورند که برخی از زورگویی‌ها به شکل کتک زدن، لگد زدن یا مسخره کردن قربانیان صورت می‌گیرد. اما کریگ و پیلر (۲۰۰۰) در پژوهشی که به انجام رسانیدند دریافتند که معلمان، از بیشتر زورگویی‌هایی که در زمین بازی و پس از آن در راهروها، کلاس‌های درس و اتاق ناهارخوری اتفاق می‌افتد، مطلع هستند و برداشت آنها با برداشت دانش‌آموزان، مشابه است. معلمان خاطرنشان می‌سازند که آنها و دیگر مسئولان مدرسه، اغلب اوقات و سه بار بیش از میزان مداخله دانش‌آموزان، در رخدادهای زورگویی مداخله می‌کنند. سیان، کالاکان، لاکهارت و راوسون^۱ (۱۹۹۳) و بایرن (۱۹۹۳) نیز دریافتند که برداشت معلمان از میزان شیوع زورگویی با برداشت دانش‌آموزان یکسان است و اعلام داشتند که ۱۰ درصد از دانش‌آموزان در کلاس‌های درس درگیر مشکلات مربوط به زورگویی (زورگویی کردن و قربانی بودن) هستند. اکثریت زورگویان و قربانیان در پژوهش آنها پسران بودند. معلمان، همچنین خاطرنشان کردند که ۲۷ درصد از قربانیان و ۳۳ درصد از زورگویان، به اشکال مختلف، از

1. Piotrowski & Hoot

2. James, Lawlor, Courtney, Flynn, Henry & Murphy

3. Siann, Callaghan, Lockhart, & Rawson

زدن به دیگران، از بین بردن وسایل دانش آموزان دیگر، کتک زدن دیگران، گرفتن ژست‌های تهدیدآمیز، فرستادن پیام‌های تهدیدآمیز و زورگویی جنسی.

به منظور بررسی ارتباط مفهومی سؤال‌ها با موضوع پرسشنامه و توانایی هر سؤال در اندازه‌گیری موضوع، همچنین مفهوم بودن شکل ظاهری هر سؤال و همسانی سؤال‌ها با متن اصلی، این پرسشنامه به انضمام متن اصلی به سه تن از استادان گروه روان‌شناسی داده شد، تا پرسشنامه را در محورهای مذکور مورد ارزیابی قرار دهند. بدین ترتیب، همسانی ترجمه فارسی با متن انگلیسی و روایی محتوایی پرسشنامه مذکور پس از اصلاحات جزئی در متن برخی سؤال‌ها توسط استادان ارزیاب مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین، جهت بررسی همسانی درونی عبارت‌های پرسشنامه در اندازه‌گیری شیوع زورگویی، پایایی ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ طی یک اجرای مقدماتی در نمونه‌ای از دبیران راهنمایی (۱۲۰ نفر) محاسبه گردید که این ضریب برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌های حاصل از نظرسنجی معلمان راجع به میزان شیوع انواع زورگویی از شاخص‌های آماری فراوانی و درصد؛ و از روش آماری مجذور کا استفاده شده است.

یافته‌ها:

داده‌های حاصل از نظرسنجی از دبیران راجع به میزان شیوع انواع زورگویی در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهرستان یزد در جدول (۱) ارائه شده است.

مشغول به تدریس بودند. در انتخاب نمونه مناسب برای پژوهش حاضر، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شده است؛ بدین صورت که با توجه به وجود نواحی دو گانه آموزش و پرورش یزد، ابتدا فهرستی از مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه در هر ناحیه آموزشی تهیه شد. آنگاه با در دست داشتن فهرست اسامی مدارس تعداد ۱۵ مدرسه دخترانه و ۱۵ مدرسه پسرانه به شیوه تصادفی از دو ناحیه آموزشی انتخاب شد. در مرحله بعدی، به مدارس مراجعه و تمامی دبیران این مدارس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند. بدین ترتیب، به منظور جمع‌آوری اطلاعات در زمینه میزان وقوع انواع زورگویی در مدارس راهنمایی از ۲۰۰ دبیر در مدارس پسرانه و ۲۱۶ دبیر مدرسه دخترانه نظرسنجی به عمل آمد.

ابزار:

بر اساس پژوهش‌های پیشین (آتیک، ۲۰۰۶؛ و تریوت، ۲۰۰۵) پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ای تنظیم گردید که ۱۵ ماده‌ی مربوط به انواع زورگویی (فیزیکی، کلامی و جنسی) را شامل می‌شود. از معلمان خواسته شد تا بر اساس میزان وقوع هر کدام از موارد مطرح شده در پرسشنامه، بر روی پیوستار چهار درجه‌ای (از هرگز تا زیاد) پاسخ دهند.

این ابزار، سه طبقه‌ی کلی از رفتارهای زورگویانه را می‌سنجد که عبارتند از زورگویی کلامی - غیرمستقیم شامل: مسخره کردن، طعنه زدن، لقب دادن، تهدید کردن، شایعه پراکنی، فحش دادن، محروم کردن دیگران از حضور در گروه، به هم زدن دوستی بین دو یا چند نفر؛ زورگویی فیزیکی شامل: دزدیدن اموال دیگران، لگد

جدول ۱: فراوانی و درصد میزان وقوع انواع زورگویی در مدارس راهنمایی از دیدگاه دبیران

انواع زورگویی	هرگز	خیلی کم	تاحدودی	زیاد	مجدور سطح		فرآوانی درصد	فرآوانی درصد	فرآوانی درصد	فرآوانی درصد
					کا	معناداری				
مسخره کردن یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۱۰	۵	۲۰	۱۰	۴۳	۸۴	۴۲	۶۴	۰/۰۰۱
	دختر	۳۸	۱۷/۶	۲۶	۱۲	۹۴	۴۳/۵	۵۸	۲۶/۹	۲۱
طعنه زدن به یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۲۸	۱۴	۴۲	۲۱	۸۰	۴۰	۵۰	۲۵	۰/۰۰۱
	دختر	۴۶	۲۰/۴	۸۲	۳۸	۷۸	۳۶/۱	۱۲	۵/۶	۳۹
تهدید کردن یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۳۰	۱۵	۴۴	۲۲	۸۸	۴۴	۳۸	۱۹	۰/۰۰۱
	دختر	۶۲	۲۸/۷	۶۸	۳۱/۵	۷۴	۳۴/۳	۱۲	۵/۶	۳۰
دزدیدن اموال یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۸۲	۴۱	۷۶	۳۸	۳۶	۱۸	۶	۳	۰/۰۱
	دختر	۱۰۲	۴۷/۲	۵۲	۲۴/۱	۶۰	۲۷/۸	۲	۹	۱۴
لقب دادن به یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۳۶	۱۸	۳۴	۱۷	۴۴	۲۲	۸۶	۴۳	۰/۰۰۱
	دختر	۶۴	۲۹/۶	۶۰	۲۷/۸	۷۲	۳۳/۳	۲۰	۹/۳	۶۲
شایعه پراکنی در مورد یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۷۶	۳۸	۵۰	۲۵	۵۶	۲۸	۱۸	۹	۰/۳۵
	دختر	۸۴	۳۸/۹	۶۸	۳۱/۵	۴۸	۲۲/۲	۱۶	۷/۴	۳/۲
لگد زدن به یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۳۲	۱۶	۳۶	۱۸	۶۴	۳۲	۶۸	۳۴	۰/۰۰۱
	دختر	۷۸	۳۶/۱	۶۲	۲۸/۷	۴۸	۲۲/۲	۲۸	۱۳	۴۴
از بین بردن وسایل یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۷۶	۳۸	۶۴	۳۲	۴۸	۲۴	۱۲	۶	۰/۰۰۱
	دختر	۱۱۴	۵۲/۸	۷۲	۳۳/۳	۲۸	۱۳	۲	۰/۹	۱۹/۹
گرفتن ژست‌های تهدیدآمیز یا غیر اخلاقی	پسر	۴۶	۲۳	۳۴	۱۷	۷۶	۳۸	۴۴	۲۲	۰/۰۰۱
	دختر	۷۰	۳۲/۴	۷۴	۳۴/۳	۴۶	۲۱/۳	۲۶	۱۲	۳۱
محروم کردن دیگران از حضور در گروه	پسر	۵۲	۲۶	۷۰	۳۵	۵۴	۲۷	۲۴	۱۲	۰/۵۵
	دختر	۵۲	۲۴/۱	۶۶	۳۰/۶	۶۴	۲۹/۶	۳۴	۱۵/۷	۲/۰۷
فرستادن پیام‌های تهدیدآمیز از طریق یک واسطه، تلفن و یا موبایل	پسر	۱۱۲	۵۶	۵۰	۲۵	۲۶	۱۳	۱۲	۶	۰/۰۳
	دختر	۱۴۲	۶۵/۷	۳۴	۱۵/۷	۳۴	۱۵/۷	۶	۲/۸	۹/۰۵
به هم زدن دوستی بین دو یا چند نفر	پسر	۷۰	۳۵	۹۴	۳۲	۵۰	۲۵	۱۶	۸	۰/۴
	دختر	۶۴	۲۹/۶	۷۸	۳۶/۱	۶۲	۲۸/۷	۱۲	۵/۶	۱/۸۸
کتک زدن یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۱۶	۸	۴۶	۲۳	۷۶	۳۸	۶۲	۳۱	۰/۰۰۱
	دختر	۱۰۰	۴۶/۳	۵۶	۲۵/۹	۴۲	۱۹/۴	۱۸	۸/۳	۳/۳۳
فحش دادن به یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۱۴	۷	۴۴	۲۲	۷۰	۳۵	۷۲	۳۶	۰/۰۰۱
	دختر	۵۰	۲۳/۱	۷۴	۳۴/۳	۶۶	۳۰/۶	۲۶	۱۲	۱/۰۴
ایجاد مزاحمت‌های جنسی برای یک دانش آموز توسط یک یا چند دانش آموز دیگر	پسر	۱۰۶	۵۳	۳۸	۱۹	۴۰	۲۰	۱۶	۸	۰/۰۰۱
	دختر	۱۹۰	۸۸	۱۴	۶/۵	۸	۳/۷	۴	۱/۹	۶/۲

جنسی قرار دارند. این یافته ها با یافته های پژوهش های دیگر (مثلا کارتال، ۲۰۰۹؛ چراغی و پیشکین، ۲۰۱۱؛ استفنسون و اسمیت، ۱۹۸۹؛ شارپ و اسمیت، ۱۹۹۴؛ هوور، الیور و هزیر، ۱۹۹۲، نقل از بیتی و الکسی یف، ۲۰۰۸؛ آتیک، ۲۰۰۶) هماهنگ است. ولی، کپنکچی و چنکر (۲۰۰۶) نشان داده اند که زورگویی فیزیکی نرخ بالاتری را در نمونه پژوهشی آنها داشته است. علاوه بر این، پسران در اکثریت موارد، تفاوت مثبت معناداری را در استفاده از انواع زورگویی در مقایسه با دختران نشان دادند که این یافته ها نیز در راستای یافته های پژوهش های دیگری است که در کشورهای مختلف و بر روی نمونه های مختلف انجام گرفته است (بالدری و فرینگتون، ۲۰۰۰؛ لوفر و هارل، ۲۰۰۳؛ هیلو غلو و اوندر، ۲۰۱۰؛ نیشن و همکاران، ۲۰۰۸؛ چراغی و پیشکین، ۲۰۱۱؛ وینکه توتورا و همکاران، ۲۰۰۹).

زورگویی رفتاری است که

اگر نادیده گرفته شود می تواند مشکلات جدی به بار آورد. بنابراین، راه حل دقیق زورگویی در مدرسه، به تلاش همگانی مسئولان مدرسه، والدین، دانش آموزان و جامعه بستگی دارد

با نگاهی دقیق تر به داده های جدول شماره ی یک می توان دریافت که نزدیک به نیمی از پسران ۴۲ تا ۴۳ درصد - به میزان زیادی از رفتارهای زورگویانه ای نظیر مسخره کردن و لقب دادن استفاده می کنند و اندکی بیش از یک چهارم دختران (۲۶/۹ درصد) نیز مبادرت به مسخره کردن دانش آموزان دیگر می کنند. اگرچه، رفتارهای دیگر در دختران تا بدین اندازه بالا نیست ولی انجام این رفتارها حتی در مقیاس ۱۰ تا ۳۰ درصد، نشان دهنده ی گستردگی شیوع زورگویی است و این، زنگ خطری است که مدارس ما باید به آن توجه کنند چرا که زورگویی در هر شکلی، اثرات مخرب تحصیلی و روان-

همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می شود بالاترین میزان وقوع زورگویی در پسران، به ترتیب برای لقب دادن (۴۳ درصد)، مسخره کردن (۴۲ درصد)، فحش دادن (۳۶ درصد) و لگد زدن (۳۴ درصد) است. سه مورد نخست این فهرست در زیر مجموعه ی زورگویی کلامی قرار می گیرند و بدین ترتیب مشخص می شود که زورگویی کلامی بیش از دیگر انواع زورگویی در میان پسران حاضر در این نمونه شایع است. علاوه بر این، از میان انواع رفتارهای معرف زورگویی فیزیکی، تنها لگد زدن (۳۴ درصد) و کتک زدن دانش آموزان دیگر (۳۱ درصد) بالاترین نرخ را در میان پسران داشته اند. میزان شیوع زورگویی جنسی در پسران ۸ درصد گزارش شده است.

در دختران نیز بالاترین میزان زورگویی متعلق به مسخره کردن دیگران است (۲۶/۹ درصد) و پس از آن لگد زدن (۱۳ درصد)، فحش دادن (۱۲ درصد)، محروم کردن دیگران از حضور در گروه (۱۲ درصد) و گرفتن ژست های تهدید آمیز یا غیراخلاقی (۱۲ درصد) شایع ترین رفتارها هستند. بدین ترتیب در دختران نیز بالاترین میزان زورگویی، متعلق به زورگویی کلامی است.

در مقایسه ی بین پسران و دختران، مشخص شد که پسران در اکثریت انواع زورگویی، به جز شایعه پراکنی، محروم کردن دیگران از حضور در گروه و به هم زدن دوستی ها، تفاوت معناداری با دختران دارند. بر این اساس پسران بیش از دختران انواع زورگویی های مربوط به طبقه بندی های سه گانه را مرتکب شده اند.

بحث و نتیجه گیری:

یافته های این پژوهش حاکی از آن است که زورگویی کلامی در اشکال مسخره کردن و لقب دادن، شایع ترین نوع زورگویی در میان آزمودنی های این پژوهش است و پس از آن، به ترتیب زورگویی فیزیکی و زورگویی

ی دست‌اندرکاران و کارکنان مدارس با زورگویی و اثرات آن بر دانش‌آموزان، آگاه شوند. در گام بعدی باید بررسی‌های دقیقی درباره‌ی گسترده‌گی، ماهیت و مکان‌های وقوع زورگویی صورت گیرد که داده‌های مورد نیاز در این‌باره را مستند سازد. دیلون و لاش^۳ (۲۰۰۵) راهبردهای کلی یک برنامه ضد زورگویی^۴ را تشریح کرده‌اند. اولین گام، از آن مدرسه است تا با اجرای یک زمینه‌یابی از دانش‌آموزان، مشخص کند که چه دانش‌آموزانی به زورگویی دست می‌زنند و در کجا چنین عملی را انجام می‌دهند. پس از آن است که می‌توان برنامه‌ای را برای مقابله با این مسئله تدوین کرد. برنامه‌تهیه شده باید شامل آموزش مهارت‌های اجتماعی به زورگویان و قربانیان باشد و ناظران^۵ [زورگویی] نیز باید نحوه برخورد با این مسئله را بدانند. به ویژه اینکه، ناظران معمولاً نمی‌دانند که به هنگام روبرو شدن با یک زورگویی، باید چه کاری انجام دهند یا ممکن است از تبدیل شدن به یک قربانی بترسند.

گام دیگر، را باید معلمان بردارند. آنها باید بخشی از زمان کلاس را به بحث با دانش‌آموزان، پیرامون مسئله زورگویی اختصاص دهند. دانش‌آموزان، نیاز دارند تا رفتاری را که از آنها انتظار می‌رود بیاموزند و نیز درک کنند که این، آنها هستند که نحوه رفتار کردن خود را برمی‌گزینند. به عنوان مثال، زورگویان می‌توانند بیاموزند که چگونه نیازهایشان را به روش‌های مثبت‌تری برآورده کنند. حال آنکه قربانیان می‌توانند بیاموزند که چگونه از زورگوها اجتناب کنند و با جرات‌تر (قاطع‌تر) باشند. می‌توان به دانش‌آموزان آموزش داد که گزارش کردن رخدادهای زورگویی، رفتاری مناسب و کاملاً ضروری است. البته، مدرسه موظف است شرایطی را فراهم آورد

شناختی متعددی دارد که پژوهش‌های بسیاری آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. مثلاً نشان داده شده است که قربانیان زورگویی به طور معناداری، رفتارهای درونی شده‌تری نظیر کناره‌گیری، شکایت‌های جسمانی و اضطراب/افسردگی و ناشادمانی در مدرسه را از خود نشان می‌دهند (آرسنالت، والش، ترزنیوسکی، نیوکامب، کاسپی، و موفیت^۱، ۲۰۰۶)؛ موضوعی که در پژوهش‌های بسیاری دیگر از جمله موتاپا و همکاران (۲۰۰۴) و کامپولاین و همکاران (۱۹۹۸) نیز تکرار شده است. علاوه بر این، زورگویی کردن را نباید به عنوان مرحله‌ای طبیعی از رشد کودک به حساب آورد. بلکه باید به عنوان پیش‌درآمدی برای رفتارهای خشونت‌بارتر و شدیدتر در نظر گرفته شود که به مداخله‌ی الزاماً فوری و مناسب بزرگسال مراقب، نیازمند است. زورگویان، چهار بار بیش از آنهایی که زورگویی نمی‌کنند، احتمال دارد که در ۲۴ سالگی به اتهام جرایم سنگین محکوم شوند (مرکز بررسی و پیشگیری از خشونت، ۲۰۰۷). بنابراین روشن است که اگر خواهان جامعه‌ای ایمن برای همگان هستیم، مدارس باید از طریق اجرای برنامه‌های ضد زورگویی، پیش‌تاز این زمینه باشند. برنامه‌های ضد زورگویی شامل مداخله‌ی پیش از موقع، آموزش بزرگسالان و "مداخله‌های سراسری در مدارس برای دانش‌آموزان"^۲ است (پیوتر ووسکی و هوت، ۲۰۰۸).

بر اساس آنچه گفته شد روشن است که یافته‌های این پژوهش نیز اهمیت مداخله در مدارس، برای کاهش پدیده‌ی زورگویی را مورد تأکید قرار می‌دهد. جیووازیلیاس و همکاران (۲۰۱۰) خاطرنشان ساخته‌اند که برای این کار به دو گام اساسی نیاز است تا محیط امن مورد نیاز را فراهم آورد. نخست، ضروری است که همه-

3. dillon & lash
4. anti-bulling program
5. bystanders

1. Arseneault, Walsh, Trzesniewski, Newcombe, Caspi, & Moffitt
2. school-wide anti-bullying interventions for students

که در آن، دانش‌آموزانی که به گزارش وقایع زورگویی اقدام می‌کنند، از سوی زورگویان تهدید نشوند یا مورد مقابله به مثل قرار نگیرند (دیلون و لاش، ۲۰۰۵). علاوه بر این، جلسات ایفای نقش هم می‌تواند به دانش‌آموزان امکان دهد که مهارت‌های کنترل اثربخش در زورگویی را تمرین نمایند. امید می‌رود که دانش‌آموزان بتوانند این مهارت‌ها را به موقعیت‌های زندگی روزمره انتقال دهند.

بر این اساس، معلمان به برنامه‌های آموزشی پیش و ضمن خدمت نیازمند هستند؛ چرا که بدون آگاهی و علاقه‌ی معلمان، زورگویی، همچنان به گسترش خود ادامه خواهد داد (جیمز و همکاران، ۲۰۰۸). آنچه روشن است این است که زورگویی یک شبه از میان نمی‌رود (بیتی و الکسی‌یف، ۲۰۰۸) و برای از میان بردن آن به عزم پایدار و تعهد به ایجاد محیط سالم آموزشی نیاز است.

منابع:

- Atik, G. (2006). The role of locus of control, self-esteem, parenting styles, loneliness, and academic achievement in predicting bullying among middle school students. Unpublished M.A. Thesis, *Middle East Technical University*, Turkey.
- Baldry, A. C., & Farrington, D. P. (2000). Bullies and delinquents: personal characteristics and parental styles. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 10, 17-31.
- Beaty, L.A.; Alexeyev, E.B. (2008). The Problem of School Bullies; What the research tells us. *Adolescence*, 43, 169, 1-11.
- Bentley, K. M., & Li, A.K.F., (1995). Bully and victim problems in elementary schools and students beliefs about aggression. *Canadian Journal of School Psychology*, 11, 153-165.
- Borg, M.G. (1998). The emotional reactions of school bullies and their victims. *Educational Psychology*, 18, 433-435.
- Byrne, B. (1993). Coping with bullying in schools. *Irish Journal of Psychology*, 12(3), 342.
- Carlyle, K. E., & Steinman, K.J. (2007). Demographic Differences in the Prevalence, Co-Occurrence, and Correlates of Adolescent Bullying at School. *Journal of School Health*, 77(9), 623-629.
- Cheraghi, A. & Piskin, M. (2011). Comparison of peer bullying among high school students in Iran and Turkey. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 2510–2520.
- Christie, K. (2005). Chasing the bullies away. *Phi Delta Kappan*, 86n(10), 725-726.
- Dillon, J. C., Lash, R.M. (2005). Redefining and dealing with bullying. *Momentum*, 36(2), 36-37.
- Espelage, D. L., & Holt, M. K. (2001). Bullying and Victimization during early adolescence: peer influences and psychosocial correlates. *Journal of Emotional Abuse*, 2(2/3), 123-142.
- Farrington, D.P., & Ttofi, M. M. (2011). Bullying as a predictor of offending, violence and later life outcomes. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 21, 90–98.
- Fekkes, M., Pijpers, F. I. M., & Verloove-Vanhorick, S. P. (2005). Bullying behavior and associations with psychosomatic complaints and depression in victims. *The Journal of Pediatrics*, 144, 17–22.
- Gini, G., & Pozzoli, T. (2009). Association Between Bullying and Psychosomatic Problems: A Meta-analysis. *Pediatrics*, 123, 1059-1065.
- Hilooğlu, S., & Cenkseven-Önder, O. (2010). The role of social skills and life satisfaction in predicting bullying among middle school students. *Elementary Education Online*, 9(3), 1159-1173.
- James, D.J., Lawlor, M., Courtney, P., Flynn, A., Henry, B., & Murphy, N. (2008) Bullying Behaviour in Secondary Schools: What Roles do Teachers Play? *Child Abuse Review Vol. 17*: 160–173.

- Jansen, D.E., Veenstra, R., Ormel, J., Verhulst, F.C., & Reijneveld, S.A. (2011). Early risk factors for being a bully, victim, or bully/victim in late elementary and early secondary education: The longitudinal TRAILS study. *BMC Public Health*, 11, 440-446.
- Joffre-Velazquez, V.M., Garcia-Maldonado, G., Saldivar-Gonzalez, A.H., Martinez-Perales, G., Lin-Ochoa, D., Quintanar-Martinez, S., & Villasana-Guerra, A. (2011). Bullying in junior high school students: general characteristics and associate risks. *Bol med hosp infant mex*, 68, 177-185.
- Kartal, H. (2009). The ratio of bullying and victimization among Turkish elementary school students ad its relationship to gender and grade level. *Journal of Social Sciences*, 20(2), 109-119.
- Kumpulainen, K., Rasanen, E., & Henttonen, I. (1998). Bullying and psychiatric symptoms among elementary school-aged children. *Child Abused & Neglect*, 22, 705-717.
- Laufer, A. & Harel, Y. (2003). The role of family, peers, and school perceptions in predicting involvement in youth violence. *International Journal pf Adolescents Medical Health*, 15(3), 235-246.
- Moutappa, M., Vallent, T., Gallaher, P., Rohrbach, L.A. & Unger, J.B. (2004). Social network predictors of bullying and victimization. *Adolescence*, 39, 315-335.
- Nation, M., Vieno, A., Perkins, D., & Santinello, M. (2007). Bullying in school and adolescent sense of empowerment: An analysis of relationships with parents, friends, and teachers. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 10. 1002-1024.
- Piotrowski, D.; Hoot,J.,(2008). Bullying and violence in schools: What teachers shoud know and do. *Childhood education*, 84(6), 357-363.
- Pontzer, D. (2010). A theoretical test of bullying behavior: parenting, personality, and the bully/victim relationship. *Journal of Family Violence*, 25, 259-273.
- Rigby, K., & Slee, P. T. (1993). Dimensions of interpersonal relation among Australian children and implications for psychological well-being. *Journal of Social Psychology*, 133(1), 33- 43.
- Siann, G., Callagan, M., Lockhart, K., & Rawson, L. (1993). Bullying: Teacher's views and school effects. *Educational Studies*, 19(3), 307-321.
- Seals, D. (2003). Bullying and victimization: Prevalence and relationship to gender, grade level, ethnicity, self esteem, and depression. *Adolescence*, 38, 735-747.
- Slee, P.T. (1995). Peer victimization and it's relationship to depression among Australian school children. *Personality & Individual Differences*, 18, 57-62.
- Seals, D. & Young, J. (2003). Bullying and victimization: Prevalence and relationship to gender, grade level, ethnicity, self-esteem, and depression. *Adolescence*, 38, 735-747.
- Smith, P.K., Brain, B.F. (2000). Bullying in the school. *Aggressive Behavior*, 26 (1).
- Solberg, M. E., & Olweus, D. (2003). Prevalence estimation of school bullying with the Olweus bully/victim questionnaire. *Aggressive Behavior*, 29(3), 239-268.
- Undheim, A. M., & Sund, A.M. (2010). Prevalence of bullying and aggressive behavior and their relationship to mental health problems among 12- to 15-year-old Norwegian adolescents. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 19, 803-811.
- Wienke-Totura, C.M., McKinnon-Lewis, C., Gesten, E.L., Gadd, R., Divine, K.P., Dunham, S., & Kamboukos, D. (2009). Bullying and victimization aming boys and girls in middle school. *Journal of Early Adolescence*, 29(4), 571-609.
- Woods, S., & White, E. (2005). The association between bullying behaviour, arousal levels and behaviour problems. *Journal of Adolescence*, 28, 381-395.